



الدَّرس الأول

قواعد مرور کتاب‌های هفتم تا نهم

آموزش قواعد و مفاهیم درس ۱

۱. اِغْلَمُوا: بدانید

آنچه که به عنوان قواعد در این درس می‌آید، در واقع دوره و مروری است بر مطالبی که در کتاب‌های سال هفتم، هشتم و نهم خوانده‌اید. دانستن این مطالب به عنوان پیش‌نیاز، برای همه‌ی شما ضروری است؛ زیرا خوب می‌دانید که قواعد زبان عربی، مانند واگن‌های یک قطار به هم پیوسته است.

۲. اِسْم، ویژگی و انواع آن

جنسیت اسم: در زبان عربی اسم‌ها یا مذکرند یا مؤنث، و علامت مؤنث بودن اسم، معمولاً داشتن علامت «ة» در آخر آن است؛ مانند:

اسم مؤنث = اسم + ة

اسم‌های مذکر: طالب، قلم، منتقد، معلّم، محمّد، غنيّ
اسم‌های مؤنث: طالبة، منتقدة، أمّ، مريم، سائقة، أمانة

۳. اسم اشاره: برای اشاره کردن به انسان یا اشیای دور و نزدیک، از اسم اشاره استفاده می‌شود.

مفرد	مثنی	جمع
هذا (این)	هذان (این دو، این‌ها)	هؤلاء (این‌ها)
ذلك (آن)	هذین (این دو، این‌ها)	أُولَئِكَ (آن‌ها)
هذه (این)	هاتان (این دو، این‌ها)	هؤلاء (این‌ها)
تلك (آن)	هاتین (این دو، این‌ها)	أُولَئِكَ (آن‌ها)

۴. تعداد اسم: اسم از نظر تعداد به ۳ نوع تقسیم می‌شود: ۱. مفرد، ۲. مثنی، ۳. جمع (جمع مذکر سالم، جمع مؤنث سالم، جمع مکسر)

اسم				
مفرد	مثنی	جمع		
	اسم + ان، ین	مذکر سالم	مؤنث سالم	مکسر
علامتی ندارد کتاب	کتابان کتابین	اسم + ون، ین مؤلفون مؤلفین	اسم + ات مؤلفات	علامت و قاعده‌ای ندارد کُتِبَ

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

«**کلمات پرسشی**» برای سؤال در مورد موجودات و ویژگی‌های آن‌ها، کلمات پرسشی زیر را به کار می‌بریم:

هَلْ (آیا)	أَ (آیا)	مَنْ (چه کسی)	مَا (چه چیزی)	كَيْفَ (چگونه)	أَيَّ (کدام)	كَمْ (چند)	مَاذَا (چه)	لِمَاذَا (برای چه)	أَيْنَ (کجا)	مِنْ أَيْنَ (از کجا)	مَتَى (کی)	إِلَى مَتَى (تا کی)
------------	----------	---------------	---------------	----------------	--------------	------------	-------------	--------------------	--------------	----------------------	------------	---------------------

«**اقسام ضمیر**» اسمی است که به جای اسم ظاهر می‌آید، مثلاً به جای «حسین» می‌گوییم «او» و به جای «مریم» و «زینب» می‌گوییم «آن‌ها». به کار بردن ضمیر جدا (منفصل) و پیوسته (متصل) و هماهنگی آن‌ها با فعل، از موارد مهم در دستور زبان است. ضمیرهای منفصل عبارت‌اند از: به شیوه‌ی زبان فارسی:

من (أَنَا)	تو (أَنْتَ، أَنْتِ)	او (هُوَ، هِيَ)
ما (نَحْنُ)	شما (أَنْتُمْ، أَنْتُنَّ)	ایشان (آن‌ها) (هُمَا، هُمْ، هُنَّ)

به شیوه‌ی زبان عربی:

مذكر			مؤنث		
هُوَ (او)	هُمَا (آن دو، آن‌ها)	هُم (آن‌ها)	هِيَ (او)	هُمَا (آن دو، آن‌ها)	هُنَّ (آن‌ها)
أَنْتَ (تو)	أَنْتُمْ (دو نفر، شما)	أَنْتُمْ (شما)	أَنْتِ (تو)	أَنْتُنَّ (دو نفر، شما)	أَنْتُنَّ (شما)
				أَنَا (من)	نَحْنُ (ما)

ضمیرهای متصل به شیوه‌ی زبان عربی:

مذكر			مؤنث		
هـ، هـ	هُمَا	هُم	ها	هُمَا	هُنَّ
كـ	كُما	كُهم	كـ	كُما	كُنَّ
			يـ	يـ	يـ

عدد و معدود

در کارهای روزمره و برای حساب و کتاب، شمارش موجودات و نشان دادن زمان و ساعت، از اعداد اصلی و ترتیبی بهره می‌بریم. البته امسال در درس دوم به صورت کامل‌تر، با اعداد و انواع آن آشنا می‌شویم.

اعداد اصلی

واحد	اثنان	ثلاثة	أربعة	خمسة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة	أحد عشر	إثنا عشر
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
واحدة	اثنان	ثلاث	أربع	خمس	ست	سبع	ثمان	تسع	عشر	أحدى عشر
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱

برای شمارش کلماتی که «مذكر» است

برای شمارش کلماتی که «مؤنث» است

ب) اعداد ترتیبی

برای نشان دادن جایگاه کلمه‌ای که «مذکر» است	الْأَوَّلُ	الثَّانِي	الثَّلَاثُ	الرَّابِعُ	الْخَامِسُ	الْسَّادِسُ	السَّابِعُ	الثَّامِنُ	التَّاسِعُ	الْعَاشِرُ	الْحَادِي عَشَرَ	الثَّانِي عَشَرَ
	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم
برای نشان دادن جایگاه کلمه‌ای که «مؤنث» است	الْأُولَى	الثَّانِيَّةُ	الثَّلَاثَةُ	الرَّابِعَةُ	الْخَامِسَةُ	الْسَّادِسَةُ	السَّابِعَةُ	الثَّامِنَةُ	التَّاسِعَةُ	الْعَاشِرَةُ	الْحَادِيَّةُ عَشْرَةَ	الثَّانِيَّةُ عَشْرَةَ
	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

روزهای هفته و فصل‌ها

دانستن این که اکنون در کدام روز هفته و در کدام فصل هستیم، اهمیت دارد.
روزهای هفته: اَلسَّبْتُ (شنبه)، اَلْأَحَدُ (یکشنبه)، اَلْإِثْنَيْنِ (دوشنبه)، اَلثَّلَاثاءُ (سه‌شنبه)، اَلْأَرْبَعاءُ (چهارشنبه)، اَلْخَمِيسُ (پنج‌شنبه)، اَلْجُمُعَةُ (جمعه)
فصل‌های سال: اَلزَّيْبِعُ (بهار)، اَلصَّيْفُ (تابستان)، اَلخَرِيفُ (پاییز)، اَلشَّتَاءُ (زمستان)

رنگ‌ها

زیبایی طبیعت و شگفتی آفرینش در دیدن رنگ‌هاست. در زبان عربی برخی از رنگ‌ها عبارت‌اند از:
أَبْيَضُ (سفید)، أَسْوَدُ (سیاه)، أَحْمَرُ (قرمز)، أَصْفَرُ (زرد)، أَخْضَرُ (سبز)، أَزْرَقُ (آبی)، بَنَفْسَجِيّ (بنفش)

وزن کلمات

در زبان عربی کلمه‌ها «وزن» دارند و ترازوی سنجش و استانداردسازی آن‌ها با سه حرف «ف، ع، ل» است، یعنی حروفی که روبه‌روی این سه حرف قرار می‌گیرند، اصلی و حروفی که روبه‌روی این‌ها قرار نمی‌گیرند، فرعی و زائد هستند. به این کلمات و وزن آن‌ها توجه کنید:

کلمه	شاعر	مکتوبه	فصیح	عَلَام	أَمَارَة	نَظَر	يَكْتُبُ	إِسْتَخْرَجَ
وزن	فاعل	مفعولة	فَعِيل	فَعَال	فَعَالَة	فَعَلَ	يَفْعُلُ	إِسْتَفْعِلَ

نام حیوانات

نام حیوانات که برخی از آن‌ها را آموخته‌اید، مرور می‌کنیم:
أَسَدُ (شیر)، كَلْبُ (سگ)، بَقَرَة (گاو)، فَرَس (اسب)، ذئب (گرگ)، غَنَم (گوسفند)، خَمَامَة (کبوتر)، عُصْفُور (گنجشک)، ثَعْلَب (روباه)، غَزَالَة (آهو)، سَمَكَة (ماهی)، فَرَس (جوجه)، زَرَّافَة، فیل، غُرَاب (کلاغ)، نَعَجَة (میش)، فَرَّاشَة (پروانه)، فَأَرَة (موش)، قِطْطَة (گربه)، قِرْدَة (میمون)، نَمَل (مورچه)، نَحْل (زنبور)، حِمَار (الاغ)، دُجَاجَة (مرغ)، ديك (خروس)، جَمَل (شتر)، نَعَامَة (شترمرغ)، نَمِر (پلنگ)، بُومَة (جغد)

ترکیب اضافی و وصفی

برای این که برای اسمی ویژگی‌ها و اطلاعات بیشتری داشته باشیم، برای آن صفت و مضاف‌الیه آورده و به اصطلاح ترکیب وصفی و ترکیب اضافی می‌سازیم. تشخیص تفاوت این دو ترکیب، هم از راه معنا امکان دارد و هم از راه حرکت و ساختار کلمه (مثلاً مضاف‌الیه معمولاً حرکت کسره — می‌گیرد، ولی صفت ممکن است ضمه — یا فتحه — نیز بگیرد). در ترکیب وصفی، هر دو اسم از نظر مذکر و مؤنث و حرکت آخر کلمه یکسان هستند، در صورتی که در ترکیب اضافی، این‌گونه نیست. به این ترکیب‌ها توجه کنید:

کتابُ اللَّهِ: کتاب خدا (مضاف و مضاف‌الیه)، کتابُكَ: کتاب تو (مضاف و مضاف‌الیه)، کتابٌ جَمیلٌ: کتابی زیبا (موصوف و صفت)، اَلْکِتَابُ الرُّخِیصُ: کتاب ارزان (موصوف و صفت)، اَیَّامُ الأَسْبُوعِ: روزهای هفته (مضاف و مضاف‌الیه)، الدَّرْسُ الْخَامِسُ: درس پنجم (موصوف و صفت)، لَوْنُ الْبَحْرِ: رنگ دریا (مضاف و مضاف‌الیه)، حَکْمَة بِالْعَقَّة: حکمتی کامل (موصوف و صفت)، السَّاعَة الثَّامِنَة: ساعت هشتم (موصوف و صفت)

روش سؤال و جواب

یکی از موضوعات مهم در گفت‌وگو میان دو نفر یا دو گروه این است که شیوهی سؤال و جواب را به خوبی بدانند: در جدول، چند شیوهی سؤال و جواب را ذکر می‌کنیم.

پرسش	پاسخ	السؤال	الجواب
آیا؟	بله، ... / خیر، ...	هل؟	نعم، ... / لا، ...
چرا؟	به این دلیل که ...	لماذا؟	لأنَّ ...
چه وقت؟	امروز، دیروز، ساعت یک ربع به سه، ...	متى؟	الْيَوْمَ، يَوْمَ امْسٍ، السَّاعَةُ الثَّالِثَةُ إِلَّا رُبْعًا، ...
کجا؟	در مدرسه، توی خیابان، مقابل، ...	أين؟	في المَدْرَسَةِ، في الشَّارِعِ، أمام، ...
چگونه؟	با ماشین، پیاده، ...	كيف؟	بِالسَّيَّارَةِ، ماشياً، ...
چه کسی؟	دوستم، رضا، ...	من؟	صديقي، رضا، ...
چه چیزی؟	کتاب، آسمان، آب، ...	ما؟	الكتاب، السَّمَاء، الماء، ...
آیا رفتی؟	بله، رفتم. / نه، نرفتم.	هل دَهَبْتَ؟	نعم، دَهَبْتُ. / لا، ما دَهَبْتُ.
آیا گفتم؟	بله، گفتم. / نه، نگفتم.	هل قُلْتُ؟	نعم، قُلْتُ. / لا، ما قُلْتُ.
آیا نوشت؟	بله، نوشتم. / نه، ننوشت.	هل كَتَبْتَ؟	نعم، كَتَبْتُ. / لا، ما كَتَبْتُ.

فعل وانواع آن

در تمام زبان‌ها، مهم‌ترین رکن جمله، فعل است و به جمله معنا و ارزش می‌دهد و هدف از به کارگیری کلمات دیگر را روشن می‌کند.

فعل از دو نظر بررسی می‌شود: یکی از نظر نوع (زمان انجام آن) و دیگر از نظر صیغه (ضمایر آن):

الف) زمان و نوع فعل با توجه به پیشوندهای آن (سَ، سَوْفَ، لا، ما، ...) شناخته می‌شود که عبارت‌اند از:

ماضی مثبت	ماضی منفی	معادل ماضی استمراری	مضارع	مضارع منفی	مستقبل	امر	نهی
بر وزن (فَعَلَ، فَعِلَ، فَعُلَ)	ما + ماضی	كان + مضارع	مضارع	لا + مضارع	سَ / سَوْفَ + مضارع	«أ» یا «إِ» + مضارع مجزوم (مضارعی که آخرش ساکن است یا نون ندارد، مگر نون جمع مؤنث)	لا + مضارع مجزوم
كَتَبَ (نوشت)	ما كَتَبَ (ننوشت)	كَانَ يَكْتُبُ (می‌نوشت)	يَكْتُبُ (می‌نویسد)	لا يَكْتُبُ (نمی‌نویسد)	سَيَكْتُبُ سوف يَكْتُبُ (خواهد نوشت)	اَكْتُبْ (بنویس)	لا تَكْتُبْ (ننویس)

ب) صیغه‌های چهارده‌گانه‌ی فعل با توجه به پسوندهای آن‌ها (ضمایر فاعلی و شناسه‌ها) شناخته می‌شود. ما می‌توانیم فعل‌ها را دو گونه صرف کنیم: یکی صرف سنتی فعل براساس دستور زبان عربی و دیگر صرف فعل براساس دستور زبان فارسی. صرف فعل ماضی و مضارع از مصدر «كِتَابَةُ: نوشتن» به روش زبان عربی این‌گونه است:

ضمیر و فعل ماضی در ۱۴ شکل و صیغه

ضمایر	هُوَ كَتَبَ (۱)	هُمَا كَتَبَا (۲)	هُمْ كَتَبُوا (۳)	هِيَ كَتَبَتْ (۴)	هُمَا كَتَبَتَا (۵)	هُنَّ كَتَبْنَ (۶)
	مفرد مذکر غایب	مثنای مذکر غایب	جمع مذکر غایب	مفرد مؤنث غایب	مثنای مؤنث غایب	جمع مؤنث غایب
مخاطب	أَنْتَ كَتَبْتَ (۷)	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا (۸)	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ (۹)	أَنْتِ كَتَبْتِ (۱۰)	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا (۱۱)	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ (۱۲)
	مفرد مذکر مخاطب	مثنای مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب	مفرد مؤنث مخاطب	مثنای مؤنث مخاطب	جمع مؤنث مخاطب
متکلم	أَنَا كَتَبْتُ (۱۳)	نَحْنُ كَتَبْنَا (۱۴)				
	متکلم وحده					

ضمیر و فعل مضارع در ۱۴ شکل و صیغه

غایب	هُوَ يَكْتُبُ (۱)	هُمَا يَكْتُبَانِ (۲)	هُمْ يَكْتُبُونَ (۳)	هِيَ تَكْتُبُ (۴)	هُمَا تَكْتُبَانِ (۵)	هُنَّ يَكْتُبْنَ (۶)
	مفرد مذکر غایب	مثنای مذکر غایب	جمع مذکر غایب	مفرد مؤنث غایب	مثنای مؤنث غایب	جمع مؤنث غایب
مخاطب	أَنْتَ تَكْتُبُ (۷)	أَنْتُمَا تَكْتُبَانِ (۸)	أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ (۹)	أَنْتِ تَكْتُبِينَ (۱۰)	أَنْتُمَا تَكْتُبَانِ (۱۱)	أَنْتُنَّ تَكْتُبْنَ (۱۲)
	مفرد مذکر مخاطب	مثنای مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب	مفرد مؤنث مخاطب	مثنای مؤنث مخاطب	جمع مؤنث مخاطب
متکلم	أَنَا أَكْتُبُ (۱۳)	نَحْنُ نَكْتُبُ (۱۴) متکلم مع الغیر				
	متکلم وحده					

صرف فعل ماضی و مضارع از مصدر «کتابه: نوشتن» به روش زبان فارسی این گونه است:

فعل ماضی

کَتَبْتُ (نوشتم)	کَتَبْتَ، کَتَبْتِ (نوشتی)	کَتَبَ، کَتَبَتْ (نوشت)
اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد
کَتَبْنَا (نوشتیم)	کَتَبْتُمَا، کَتَبْتُمْ، کَتَبْتُنَّ (نوشتید)	کَتَبَا، کَتَبْتَا، کَتَبُوا، کَتَبْنَ (نوشتند)
اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع

فعل مضارع

أَكْتُبُ (می نویسم)	تَكْتُبُ، تَكْتُبِينَ (می نویسی)	يَكْتُبُ، تَكْتُبُ (می نویسد)
اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد
نَكْتُبُ (می نویسیم)	تَكْتُبَانِ، تَكْتُبُونَ، تَكْتُبْنَ (می نویسید)	يَكْتُبَانِ، تَكْتُبَانِ، يَكْتُبُونَ، يَكْتُبْنَ (می نویسند)
اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع

❶ **شیوهی ترجمه‌ی جمله:** در زمینه‌ی ترجمه‌ی جمله باید بتوانید با توجه به واژه‌هایی که تاکنون آموخته‌اید، آیات، احادیث، عبارات و متن‌های عربی را واژه به واژه ترجمه کنید و سپس به فارسی روان برگردانید و سعی کنید فعل عبارت را تشخیص دهید و در آخر آن، فعل را به فارسی ترجمه کنید. با دانستن واژه‌های مترادف (هم‌معنی) و متضاد، می‌توانید جمله‌های جدید بسازید و دایره‌ی لغات خود را افزایش دهید. علاوه بر آن، از اطلاعات عمومی و دانش تاریخ، جغرافی، فیزیک، ریاضی و ... استفاده کنید تا اگر جمله و گزاره‌ای به زبان عربی بیان شده است، بتوانید با توجه به واقعیت و عدم واقعیت آن، درستی یا نادرستی آن را تأیید کنید.

ترجمه‌ی درس



متن درس و ترجمه‌ی واژه به واژه و ترجمه‌ی روان آن

«(نعمه) ۱»

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾
حمد و سپاس از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و (در آن) تاریکی‌ها و روشنایی قرار داد.

ذَاكَ	هُوَ	اللَّهُ
آن	او	خداست
«آن همان خداست»		

أَنْظُرُ: امر / تَلَكَّ: «اسم اشاره» / ذات،
تِلْكَ، الشَّجَرَةُ وَالنُّصْرَةُ: مؤنث

أَنْظُرُ	لِتِلْكَ	الشَّجَرَةُ	ذَاتِ	الْغُصُونِ	النُّصْرَةَ
بنگر	به آن	درخت	دارای	شاخه‌های	تازه
به آن درخت بنگر که دارای شاخه‌های تر و تازه است.					

نَمَتْ وَ صَارَتْ: ماضی / كَيْفَ: «چگونه»،
كَلِمَةُ اسْتِفْهَامِي / حَبَّةٌ: مؤنث

كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّةٌ	و كَيْفَ	صَارَتْ	شَجَرَهُ
چگونه	رشد کرد	از	دانه‌ای	و چگونه	گردید	درخت
چگونه (در آغاز) از دانه‌ای رشد کرده و چگونه (اکنون) درخت شده است؟						

إِنِخْتُ وَقُلْ: امر / يُخْرِجُ: مضارع /
مَنْ: «چه کسی» کلمه‌ی استفهامی /
ذَا: «اسم اشاره» / ثَمَرَةٌ: مؤنث

فَانِخْتُ	وَقُلْ مَنْ	ذَا الَّذِي	يُخْرِجُ	مِنْهَا	الثَّمَرَةَ
پس جست‌وجو کن	و بگو چه کسی است	این کسی که	بیرون می‌آورد	از آن	میوه
آن گاه جست‌وجو کن و (به خود) بگو: این کیست که از آن (درخت)، میوه بیرون می‌آورد؟					

الَّتِي، جَذْوَةٌ وَ مُسْتَعْرِجَةٌ: مؤنث /
«شمس» با وجود این که علامت «ة-ة» ندارد، در زبان عربی مؤنث تلقی می‌شود،
به همین دلیل بعد از واژه‌ی «شمس»،
«الَّتِي» که مؤنث است، آمده است.

و أَنْظُرُ	إِلَى	الشَّمْسِ	الَّتِي	جَذْوَتُهَا	مُسْتَعْرِجَهُ
و بنگر	به	خورشیدی	که	پاره‌ی آتش آن	فروزان است
(از زمین رو به آسمان کن) و بنگر به خورشیدی که شعله‌ی آتش آن فروزان است.					

فِيهَا	ضِيَاءٌ	وَ	بِهَا	حَرَارَةٌ	مُنْتَشِرَةٌ
در آن	روشنایی	و	با آن	حرارتی	پخش شده است
در آن (خورشید) روشنایی (و نور) است و به وسیله‌ی آن حرارت و گرمی پخش شده است.					

مَنْ	ذَا	الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي الْجَوِّ	مِثْلَ	الشَّرَرَهُ
کیست	این	کسی که	پدید آورد آن را	در آسمان	همانند	پاره‌ی آتش
این کیست که آن را آفریده است (که) در آسمان مانند پاره‌ی آتش است.						

ذَآك: «اسم اشاره»

ذَآك	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمُهُ	مُنْهَمَرَهُ
آن	او	خدایی است	که	نعمت‌هایش	ریزان است
آن همان خدایی است که نعمت‌هایش (پیوسته) ریزان است.					

واژه‌های «بَالِغَةً» و «مُقْتَدِرَهُ» صفت هستند.

ذو	حِكْمَةٍ	بَالِغَةٍ	وَ	قُدْرَةٍ	مُقْتَدِرَهُ
دارای	حکمتی	کامل	و	نیروی	پرتوان
(او که) دارای دانایی کامل و نیروی پرتوان است					

أَوْجَدَ: ماضی

أَنْظُرُ	إِلَى	الَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ	قَمَرَهُ
بنگر	به	شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن	ماه را
(آن‌گاه) به شب بنگر، پس چه کسی در آن (شب تاریک) ماه را قرار داده است؟						

زَانٍ: ماضی
ترکیب «الدُّرُورُ الْمُنتَشِرَةُ» وصفی است.

وَ	زَانَهُ	بِالنَّجْمِ	كَالدُّرُورِ	الْمُنْتَشِرَةِ
و	آراست آن را	با ستارگانی	مانند مرواریدهای	پخش شده
و آن (شب) را با ستارگانی چون مرواریدهای پخش شده آراست				

صَيَّرَ: ماضی / «أَرْضَ»: با وجود این‌که علامت «ة - ة» ندارد، در زبان عربی مؤنث تلقی می‌شود.

وَ أَنْظُرُ	إِلَى	الْغَيْمِ	فَمَنْ	أَنْزَلَ	مِنْهُ	مَطَرَهُ
و بنگر	به	ابر	پس چه کسی	نازل کرد	از آن	باران را
به ابر بنگر، پس چه کسی از آن باران فرو فرستاد؟						

فَصَيَّرَ	الْأَرْضَ	بِهِ	بَعْدَ	اغْبِرَارِ	خَصِرَهُ
پس گردانید	زمین را	به وسیله‌ی آن	پس از	تیرگی	سرسبز
در نتیجه زمین را به وسیله‌ی آن بعد از غبار و آلودگی سرسبز (باطراوت) گردانید.					

سَقَى: ماضی

وَ أَنْظُرُ	إِلَى	الْمَرْءِ	وَقُلْ	مَنْ	سَقَى	فِيهِ	بَصَرَهُ
و بنگر	به	آدمی	و بگو	چه کسی	شکافت (ایجاد کرد)	در او	چشم را
و به آدمی توجه کن و (با خود) بگو چه کسی در (چهره‌ی) او چشم آفرید؟							

جَهَّزَ: ماضی

مَنْ	ذَا	الَّذِي	جَهَّزَهُ	بِقُوَّةِ	مُقْتَكِرَهُ
کیست	این	کسی که	مجهز کرده او را	به نیروی	اندیشه‌گر
این کیست که او را به نیروی اندیشه و خردورزی مجهز کرده است؟					

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

ذَاكَ	هُوَ	اللَّهِ	الَّذِي	أَنْعُمُهُ	مُنْهَمَرُهُ ^۱
آن	او	خدایی	(است) که	نعمت‌هایش	ریزان است

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش (پیوسته) ریزان است.

نکاتی درباره‌ی قواعد در متن

توجه: حرف «ه» در آخر بیشتر مصرع‌های دوم ابیات، علامت مؤنث (ة) است که به دلیل ضرورت شعری نقطه‌های آن حذف شده است، ولی در آخر واژه‌های «قمر، مطر، بصر» علامت مؤنث بودن نیست و تنها به خاطر ضرورت شعری آمده است!

توجه: اگر اسمی مذکر باشد، ضمیر آن نیز مذکر می‌آید و اگر مؤنث باشد، ضمیر آن مؤنث می‌آید، مانند «هو» و «ه» که به اسم مذکر «الله، المَرء» بازمی‌گردند (در بیت‌های ۱۳ و ۱۵) و «ها» که به اسم مؤنث «الشَّجَرَة، الشَّمْس» (در بیت‌های ۳ و ۴) بازمی‌گردد.

جَوَارُ (التَّعَارُفِ)

زائر مَرَقِدِ امیرالمؤمنین علی	گفت‌وگو (آشنایی با یکدیگر)	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ ^۲ یکی از کارمندان در سالن فرودگاه
السلامَ عَلَیْکُمْ.	وَعَلَیْکُمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ.	سلام بر شما.
صَبَاحَ الْخَیْرِ یَا أَخِی.	صَبَاحَ النُّورِ وَالسُّرُورِ.	صبح به خیر و خوشی.
کَیْفَ حَالُکَ؟	أَنَا بِخَیْرٍ، وَکَیْفَ أَنْتَ؟	حالت چه‌طوره؟
حَالَتِی چَهِطَورَه؟	خوبم، شما چه‌طوری؟	بِخَیْرٍ وَالحَمْدُ لِلَّهِ.
بِخَیْرٍ وَالحَمْدُ لِلَّهِ.	غَفَواً، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	خوبم، شکر خدا.
خوبم، شکر خدا.	ببخشید، اهل کجایی؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِیَّةِ الْإِسْلَامِیَّةِ الْإِیرَانِیَّةِ.
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِیَّةِ الْإِسْلَامِیَّةِ الْإِیرَانِیَّةِ.	مَا اسْمُکَ الْکَرِیمُ؟	من اهل جمهوری اسلامی ایرانم.
من اهل جمهوری اسلامی ایرانم.	اسم شریف شما چیه؟	إِسْمِی حُسَیْنٌ وَ مَا اسْمُکَ الْکَرِیمُ؟
إِسْمِی حُسَیْنٌ وَ مَا اسْمُکَ الْکَرِیمُ؟	إِسْمِی عَبْدِ الرَّحْمَنِ.	نام من حسین و نام شریف شما چیه؟
نام من حسین و نام شریف شما چیه؟	اسم من عبدالرحمانه.	هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إیرَانِ حَتَّى الْآنَ؟
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إیرَانِ حَتَّى الْآنَ؟	لَا؛ مَعَ الْأَسَفِ. لَکِنِّی أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ ^۳ .	آیا تا به حال به ایران مسافرت کرده‌ای؟
آیا تا به حال به ایران مسافرت کرده‌ای؟	نه، متأسفانه. ولی دوست دارم که سفر کنم.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إیرَانِ!
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إیرَانِ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.	اگر خدا بخواد به ایران مسافرت می‌کنی!
اگر خدا بخواد به ایران مسافرت می‌کنی!	ان شاء الله؛ به امید دیدار، به سلامت.	فِی أَمَانٍ اللَّهُ.
فِی أَمَانٍ اللَّهُ.	فِی أَمَانٍ اللَّهُ وَ حِفْظِهِ، یَا حَبِیبِی.	خداحافظ.
خداحافظ.	به امان خدا و خداحافظ، ای دوست من.	



۱- تعارف: آشنایی با یکدیگر / ۲- قاعة: سالن / ۳- مطار: فرودگاه / ۴- مَعَ الْأَسَفِ: متأسفانه / ۵- أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم

۱- این ابیات که در مورد خداشناسی است، به نظم و شگفتی‌های آفرینش (درخت، خورشید، شب، ماه، ستارگان، ابر، باران، زیبایی و چهره‌ی انسان) اشاره می‌کند و شاعر آن «معروف رصافی» است که دارای آثار فراوانی به نظم و نثر می‌باشد؛ وی عراقی است و از پدر کُرد و مادر ترکمن زاده شده است.

البَحْثُ الْعِلْمِيُّ «پژوهش علمی»

إِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظْمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ. در اینترنت یا کتابخانه به دنبال متنی کوتاه یا جمله‌هایی به زبان عربی پیرامون بزرگی آفریده‌های خداوند بگرد، سپس با کمک لغت‌نامه‌ای عربی - فارسی، آن را به فارسی ترجمه کن.

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ آل عمران: ۱۹۱
«و آن‌ها در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]: پروردگارا، این را بیهوده نیافریده‌ای»

التَّمارِين

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: كَمُلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

«الشُّعْرَاءُ: ۸۴»

۱- «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدِّقٍ فِي الْآخِرِينَ»

و برای من یاد نیکو در

«الْصِّفِّ: ۲»

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

«الْمُؤْمِنُونَ: ۵۱»

۳- «وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»

و کار نیکو

«الْأَعْرَافُ: ۳۷»

۴- «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

پروردگارا،

«رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

۵- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَآدَاءِ الْأَمَانَةِ.»

به بسیاری و روزه‌شان و بسیاری حج‌گزاردن بلکه به و امانتداری آن‌ها

«رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

۶- «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.»

به کسی که در زمین است

«رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

۷- «أُطْلِبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.»

دانش را طلب کنید گرچه ، زیرا طلب دانش

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: اقْرَأْ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

«رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.»

برای (دنیایت ☐ دنیا ☐) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می‌کنی ☐ لذت می‌بری ☐) و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می‌میری ☐ نزدیک است بمیری ☐).

«أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

۲- «انْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.»

به آنچه گفته است (بنگر ☐ می‌نگرم ☐) و به آن که گفته است (ننگر ☐ نمی‌نگرم ☐).

«أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.»

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی رسیدند ☐ گرامی شوند ☐); شایستگان هلاک شدند.

«أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.»

هرکس (دشمنی ☐ دوستی ☐) کاشت، (زیان ☐ سود ☐) درو کرد.

«أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.»

سخن مانند داروست؛ اندکش (سود می‌رساند ☐ شفا می‌دهد ☐) و بسیارش کشنده است.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

«أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

٦- إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَذُوكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

هرگاه بر دشمنت قادر شدى ☐ دشمنت را شکست دادى ☐، بخشيدن او را شکرانه‌ی قدرت‌یافتن بر او (قرار می‌دهی ☐ قرار بده ☐).

«أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

٧- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» يَضْفُ الْعِلْمَ.

گفتن (می‌دانم ☐ نمی‌دانم ☐)، نیمی از دانش است.

الْتَّمِيزُ الثَّلَاثِي: ضَعِ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- الشَّرَزَةُ ☐ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
- ٢- الشَّمْسُ ☐ جَذُوْتُهَا مُسْتَعْرِةٌ، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ٣- الْقَمَرُ ☐ كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
- ٤- الْأَنْعَمُ ☐ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- ٥- الْغَيْمُ ☐ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ وَذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
- ٦- الْفُسْتَانُ ☐ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
- ٧- الدَّرَزُ ☐

الْتَّمِيزُ الرَّابِعُ: ضَعِ هَذِهِ الْجُمْلَ وَالتَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هَؤُلَاءِ فَائِزَاتٌ / هَٰذَا الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ بَطَارِيءُ / أُولَٰئِكَ الصَّالِحُونَ / هَؤُلَاءِ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرُّجَاكَتَانِ

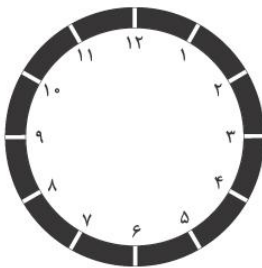
١- مفرد مؤنث	٢- مثنى مذکر	٣- مثنى مؤنث	٤- جمع مذکر سالم	٥- جمع مؤنث سالم	٦- جمع مکسر
.....					

الْتَّمِيزُ الْخَامِسُ: ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (= ، ≠)

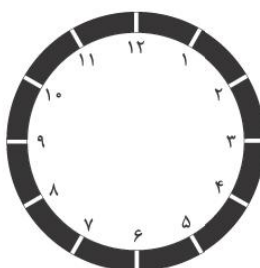
ضِيَاءٌ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَائِيَّةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَّةٌ / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجَدِّدٌ

١- رَخِيصَةٌ ≠	٥- بَدَايَةٌ ≠	٩- نَوْرٌ =
٢- بَيْعٌ ≠	٦- قَبِيحٌ ≠	١٠- حَزِينٌ ≠
٣- رَقْدٌ =	٧- يَسَارٌ ≠	١١- مُجْتَبَدٌ =
٤- رَاسِبٌ ≠	٨- بَعِيدٌ ≠	١٢- مَمْنُوعٌ ≠

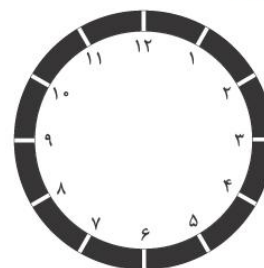
الْتَّمِيزُ السَّادِسُ: أَرَسِّمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



الْتَّاسِعَةُ إِلَّا زُبْعًا



الْتَّامِيَةُ وَ النُّصْفُ



الْخَامِيسَةُ وَ الزُّبْعُ

پاسخ تمرین‌ها

پاسخ تمرین اول: ترجمه‌ی آیات و احادیث زیر را کامل کن.

١- وَاجْعَلْ: قرار بده / لی: برای من / لِسَانِ صِدْقٍ: زبان راستی و نیک (یاد نیکو) / فِي الْآخِرِينَ: در میان آیندگان

«و برای من یاد نیکو در (میان) آیندگان قرار بده.»

٢- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ: کسانی که / آمَنُوا: ایمان آوردید / لِمَ (لِ + ماذا): چرا / تَقُولُونَ: می‌گویید / مَا: آن‌چه را / لَا تَفْعَلُونَ: انجام نمی‌دهید

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آن‌چه را که انجام نمی‌دهید؟»

٣- وَاعْمَلُوا: و انجام دهید / صَالِحًا: (کار) نیک / إِنِّي: زیرا من / بِمَا: به آن‌چه که / تَعْمَلُونَ: انجام می‌دهید / عَلِيمٌ: دانا

«و کار نیکو را انجام دهید، زیرا من به آن‌چه که انجام می‌دهید دانا هستم.»

۴- زُئِنَا: پروردگارا، ای پروردگار ما / لَا تَجْعَلْنَا: ما را قرار نده / مَع: همراه / الْقَوْمُ الظَّالِمِينَ: قوم ستمگر
«پروردگارا، ما را با (همراه) قوم ستمگر قرار نده.»

۵- لَا تَنْظُرُوا: توجه نکنید، ننگرید / إِلَى: به / كَثْرَةً: بسیاری / صَلَاتِهِمْ: نمازشان / صَوْمِهِمْ: روزه‌شان / وَلَكِنْ: ولی، بلکه / أَنْظُرُوا: بنگرید /
صدق الحديث: راستگویی / أَدَاءِ الْأَمَانَةِ: به‌جا آوردن امانت، امانت‌داری
«به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج‌گزاردن ننگرید، بلکه به راستگویی و امانت‌داری آن‌ها بنگرید.»
۶- إِزْحَمْ: مهربانی کن / مَنْ: کسی که / فِي الْأَرْضِ: در زمین / يَزْحَمُ: مهربانی کند / فِي السَّمَاءِ: در آسمان
«به کسی که در زمین است مهربانی کن تا کسی که در آسمان است به تو مهربانی کند.»
۷- أَطْلُبُوا: طلب کنید / وَلَوْ: گرچه / بِالصَّيْنِ: در چین / فَإِنَّ: زیرا / طَلَبَ الْعِلْمَ: طلب دانش / فَرِيضَةً: واجب است
«دانش را طلب کنید گرچه در چین باشد، زیرا طلب دانش واجب است.»

پاسخ تمرین دوم: احادیث زیر را بخوان، سپس ترجمه‌ی درست آن را مشخص کن.

۱- اِغْمَلْ: کار کن / دُنْيَاكَ: دنیایت / تَعْيِشْ: زندگی می‌کنی / أَخْرَجْتَ: آخرت / كَأَنَّ: گویی / تَمُوتُ غَدًا: فردا می‌میری
۲- أَنْظُرْ: بنگر / مَا: آن چه / لَا تَنْظُرْ: ننگر / مَنْ: آن که
۳- مَلَكٌ: به فرمانروایی رسیدند / الْأَرَاذِلُ: فرومایگان / الْأَفَاضِلُ: شایستگان / هَلَكَ: هلاک شدند

توجه: بعد از کلمات شرط، مانند «إِذَا، إِنْ و ...» بهتر است دو فعل بعد از آن را به صورت مضارع (التزامی و اخباری) ترجمه کرد: «به فرمانروایی برسند ... هلاک می‌شوند»

۴- الْعُدْوَانُ: دشمنی / الْخُسْرَانُ: خسارت، زیان

۵- الْكَلَامُ: سخن / كَ: مانند / قَلِيلُهُ: اندکش / يَنْفَعُ: سود می‌رساند / كَثِيرُهُ: بسیارش / قَاتِلٌ: کشته

۶- إِذَا: هرگاه / قَدَزَتْ عَلَى عُدُوكَ: بر دشمنت قادر شدی / فَاجْعَلْ: قرار بده / الْعَفْوُ عَنْهُ: بخشیدن او را / شُكْرًا: شکرانه / لِلْفُزْزَةِ عَلَيْهِ: قدرت یافتن بر او
۷- قَوْلٌ: گفتن / لَا أَعْلَمُ: نمی‌دانم / نِصْفُ الْعِلْمِ: نیمی از دانش.

پاسخ تمرین سوم: عدد مناسب را در دایره قرار بده. (یک کلمه اضافی است.)

۱- زبانه‌ی آتش / پاره‌ای از آتش است. (قِطْعَةً ...)

۲- خورشید / پاره‌ی آتشی است فروزان که در آن روشنایی است و حرارت آن پخش شده است. (جَذْوَتُهَا ...)

۳- ماه / سیاره‌ای (ستاره‌ای) است که به دور زمین می‌چرخد و نورش از خورشید است. (كَوْكَبٌ ...)

۴- نعمت‌ها

۵- ابر / بخاری به هم فشرده در آسمان است که از آن باران می‌بارد. (بُخَارٌ ...)

۶- پیراهن زنانه / از لباس‌های زنانه‌ی دارای رنگ‌های گوناگون است. (مِنْ الْمَلَابِسِ ...)

۷- مروریدها / از سنگ‌های زیبای گران‌داری رنگ سفید است. (مِنْ الْأَحْجَارِ ...)

پاسخ تمرین چهارم: این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در مکان مناسب آن قرار بده.

۱- مفرد مؤنث ← تِلْكَ بَطَارِيَّةٌ: آن باتری است.

۲- مثنی مذکر ← هَذَانِ الدَّلِيلَانِ: این دو راهنما

۳- مثنی مؤنث ← هَاتَانِ الزُّجَاجَتَانِ: این دو شیشه

۴- جمع مذکر سالم ← أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ: آن شایستگان

۵- جمع مؤنث سالم ← هَؤُلَاءِ فَائِزَاتُ: این‌ها برنده هستند.

۶- جمع مکسر ← هَؤُلَاءِ الْأَعْدَاءُ: این دشمنان

توجه: اگر بعد از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید و اسم اشاره مثنی یا جمع باشد، اسم اشاره مفرد ترجمه می‌شود، مانند شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶، ولی اگر بعد از اسم اشاره «ال» نیاید، اسم اشاره اگر مفرد باشد، مفرد و اگر مثنی باشد، مثنی و اگر جمع باشد، جمع ترجمه می‌شود.

هذا كِتَابٌ (این کتاب است.)

هَذَانِ كِتَابَانِ (این‌ها کتاب هستند.)

هَؤُلَاءِ مَعْلَمَاتٌ (این‌ها معلم هستند.)

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

پاسخ تمرین پنجم: مترادفها و متضادها را در مکان مناسب آن قرار بده.

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱- رَخِيصَة ➤ غَالِيَة (ارزان ➤ گران) | ۲- بَيْع ➤ شِرَاء (فروش ➤ خرید) |
| ۳- رَقْد ➤ نَام (خوابید) | ۴- رَاسِب ➤ نَاجِح (مردود ➤ موفق) |
| ۵- بَدَايَة ➤ نِهَایَة (آغاز ➤ پایان) | ۶- قَبِيح ➤ جَمِيل (زشت ➤ زیبا) |
| ۷- يَسَار ➤ يَمِين (چپ ➤ راست) | ۸- بَعِيد ➤ قَرِيب (دور ➤ نزدیک) |
| ۹- نور ➤ ضِيَاء (روشنایی) | ۱۰- حَزِين ➤ مَسْرُور (ناراحت ➤ شاد) |
| ۱۱- مُجْتَهِد ➤ مُجَدِّد (کوشا) | ۱۲- مَمْنُوع ➤ مَسْمُوح (غیرمجاز ➤ مجاز) |

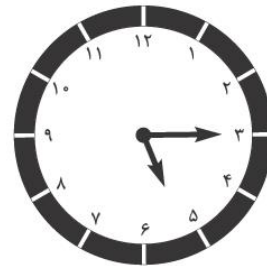
پاسخ تمرین ششم: عقربه‌های ساعت‌ها را رسم کن.



۳- یک ربع مانده به نه



۲- هشت و نیم



۱- پنج و ربع

واژه‌شناسی

توجه: برای یادگیری بهتر انواع کلمه (فعل، اسم و حرف)، این واژه‌ها را به صورت جداگانه آورده‌ایم.

فعل

- | | |
|---|--|
| أَخْرَجَ (يُخْرِجُ إِخْرَاجًا): بیرون کرد، درآورد، اخراج کرد | أَنْزَلَ (يُنْزِلُ أَنْزَالًا): نازل کرد، فروفرستاد |
| تَرْجَمَ: ترجمه کن (امر) / تَرْجَمَ (ماضی) / يَتَرْجَمُ (مضارع) | دَارَ (يَدُورُ دَوْرًا): چرخید |
| شَقَّ (يَشُقُّ شَقًّا): شکافت | صَنَعَ: بگذاشت (امر) / وَضَعَ (ماضی) / يَضَعُ (مضارع) |
| قَتَلَ (يَقْتُلُ قَتْلًا): کشت | كَمَلَ: کامل کن (امر) / كَمَلَ (ماضی) / يُكْمَلُ (مضارع) |
| يُخْرِجُ: درمی‌آورد، اخراج می‌کند | |

اسم

- | | |
|--|--|
| أَنْجُم: ستارگان / جمع مکسر، مفرد آن: نَجْم، نَجْمَة | إِغْبِرَار: تیره‌رنگی، غبارآلودگی / مفرد مذکر، مصدر |
| بَالِغ: کامل / مفرد مذکر | أَنْعَم: نعمت‌ها / جمع مکسر، مفرد آن: نِعْمَة |
| جَدْوَة: پاره‌ی آتش / مفرد مؤنث | تَعَاوُف: آشنایی با همدیگر / مفرد مذکر، مصدر |
| دُور: مرواریدها / جمع مکسر، مفرد آن: دُر | خَصِيْرَة: سرسبز / مفرد مؤنث |
| ذَاكَ: آن / اسم اشاره (ذاك ➤ ذاك) | ذَا: این / اسم اشاره، مفرد مذکر (ذا ➤ هذا) / |
| ذو: دارای | مَاذَا: این چیست؟ / من ذا: این کیست؟ |
| شَرَوْه: اخگر (پاره‌ی آتش) / مفرد مؤنث | ذات: دارای ... / این اسم همواره به اسم مؤنث مضاف می‌شود. / |
| ضِيَاء: روشنایی / مفرد مذکر، مصدر | ذات بهجَة: دارای شادی و خوشحالی |
| غَيْم: ابر / مفرد مذکر | غُصُون: شاخه‌ها / جمع مکسر، مفرد آن: غُصْن |
| قَاعَة: سالن / مفرد مؤنث | فَرَاغ: جای خالی / مفرد مذکر |

مُستَعْرِزَة: فروزان / مفرد مؤنث
مَعَ الْأَسْفَى: با تأسف، متأسفانه / هر دو اسم هستند و ترکیب اضافی دارند.
مُفْتَكِرَة: با فکر، اندیشمند / مفرد مؤنث
مُنْهَمِرَة: ریزان / مفرد مؤنث
مَطَار: فرودگاه / مفرد مذکر، اسم مکان
مُفْتَكِرَة: با فکر، اندیشمند / مفرد مؤنث
نَصْرَة: تر و تازه / مفرد مؤنث

حرف

آن: که / حرفی است که اگر بعد از آن فعل مضارع بیاید به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (أَنْ + يَكْتُبُ ← أَنْ يَكْتُبَ: که بنویسد)

أَنْجُم	كَوَاكِب	ضِيَاء	نُور	جَو	فَضَاء	أَنْعَم	نَعَم	مُسْتَعْرِزَة	مُحْرِقَة
أَوْجَد	أَخَذْتُ، خَلَقَ	غَيْن	مَيِّز	مُنْهَمِر	نَازِل	رَقَدَ	نَام	إِسْتَلَمَ	أَخَذَ
بَالِغ	تَام، كَامِل	غَيْم	سَحَاب	صَبَاحُ الْخَيْرِ	صَبَاحُ النَّوْرِ	فَانَزَ	نَاجِح	صَنَعَ	إِجْعَلَ
جَدْوَة	شَرَرَة	أَنْظَر	شَاهِد	مُجْتَهِد	مُجِدِّ، سَاعِي	بَيْت	دَار	زَانَ	زَيَّنَ
جَهَّزَ	أَعَدَّ	صَارَ	أَصْبَحَ	حَقِيقَة	مَحْفَظَة	حَمْد	شُكْر	ثَمَر	فَاكِهَة
مِهْنَة	شُغْل	سَاعَدَ	نَصَرَ						

فَرَاغ	مَمْلُوء	دُنْيَا	آخِرَة	قَلِيل	كَثِير	يَفْرَحُ	يَحْزَنُ	جَمِيل	قَبِيح	يَسَار	يَمِين
يُخْرِجُ	يُدْخِلُ	تَعِيشَ	تَمُوتُ	يَنْفَعُ	يَضُرُّ	قَصِير	طَوِيل	غَالِيَة	رَخِيصَة	ثَقِيل	خَفِيف
خَرَارَة	بُرُودَة	أَرَادِل	أَفَاضِل	دَخَلَ	خَرَجَ	أَسْئَلَة	أَجُوبَة	فَانَزَ	رَاسِب	خَزِين	مَسْزُور
لَيْل	نَهَار	قَرُبَ	بَعُدَ	فَرِيضَة	مُمْتَنِع	نَعَم	لَا	صَغِير	كَبِير	مَمْنُوع	مَسْمُوح
زَرَعَ	حَصَدَ	نَزَلَ	صَعَدَ	عَدُو	صَدِيق	أَوَّل	آخِر	وَحْدَه	مَعَا		
صِدْق	كِذِب	فَقَدَ	اِكْتَسَبَ	نِصْف	تَمَام	أَبْيَضَ	أَسْوَدَ	بَيْعَ	شِرَاءَ		
ظَالِم	عَادِل	نَارَ	مَاءَ	عِلْمَ	جَهْلَ	قَبْلَ	رَدَّ	بِدَايَة	نِهَايَة		
كَثْرَة	قَلَّة	شُجَاع	خَائِف	بَدَأَ	أَتَمَ	صَبَاحَ	مَسَاءَ	بَعِيدَ	قَرِيبَ		

توجه: فایده‌ی یادگیری مترادف و متضاد واژگان این است که دایره‌ی لغات ما افزایش می‌یابد و می‌توانیم با به کارگیری مترادف و متضاد، کلمه‌های جدید دیگری نیز بسازیم.

سؤال‌های امتحانی

سؤال‌های ترجمه محور

كَمَلْ تَرْجَمَةُ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

۱- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ»

..... سپاس از آن خدایی است که

۲- «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»

..... او کسی است که

۳- «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي»

..... پروردگارا، همانا من

۴- «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ»

..... زمانی که بندگانم

۵- «عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ.»

..... بر تو لازم است که

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اقرأ العبارات التالية ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

٦- الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْغُصُونِ النَّصِيرَةِ.

☐ (الف) درختان شاخه‌های سرسبز دارند.

☐ (ب) درخت دارای میوه‌های تر و تازه است.

☐ (ج) درخت دارای شاخه‌های تر و تازه است.

٧- مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ؟

☐ (الف) چه کسی است این که آن را مجهز کرد؟

☐ (ب) چه کسی است که آن را تجهیز می‌کند؟

☐ (ج) کسی که آن را مجهز کرد، خداست.

٨- أَحَبُّ الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَّةٌ.

☐ (الف) خورشیدی را که شراره‌ی آتش آن فروزان است دوست دارم.

☐ (ب) خورشیدی را دوست دارم که حتی در شب هم فروزان است.

☐ (ج) خورشید دوست‌داشتنی همواره با پاره‌های آتشینش همه‌جا را روشن کرد.

٩- مَنْ أُوْجِدَ فِيهِ الْقَمَرُ؟

☐ (الف) چه کسی ماه فروزان را در آن نهاد؟

☐ (ب) چه کسی ماه را در آن پدید آورد؟

☐ (ج) آیا وجود ماه در آن سبب زیبایی می‌شود؟

١٠- زَانَهُ بَأْنَجِمٍ كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ.

☐ (الف) آن‌ها را با گیاهانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست.

☐ (ب) آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست.

☐ (ج) آن را با ستارگانی چون ماه تابان آراست.

ترجم الأفعال في العبارات و اذكر صيغتها.

١١- كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ الشَّجَرَةَ.

١٢- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أُوْجِدَ فِيهِ الْقَمَرُ.

١٣- أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ إِلَى إِيْرَانِ.

١٤- «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

ترجم العبارات ثُمَّ عَيِّنْ فِيهَا نَوْعَ الْفِعْلِ. (الماضي، المضارع، الأمر و ...)

١٥- إِرْزَعْ صَدَاقَةً وَ لَا تَزْرَعْ عِدَاوَةً.

١٦- مَا أَكَلَ الْفُطُورَ وَ مَا غَسَلَ وَجْهَهُ وَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ.

١٧- سَوْفَ أُسَافِرُ وَ أُرِيدُ تَسْلِيمَ نُقُودِي عِنْدَكَ أَمَانَةً.

ترجم هذه التراكيب.

١٩- أَنَا إِنْتَظَرْتُ:

٢١- الطِّفْلُ نَمَا:

٢٣- هُنَا مَطَارٌ:

٢٥- ذَلِكَ مِفْتَاحٌ:

١٨- أَنْتَ بَالِغٌ:

٢٠- أَنَّنِي تَكْتُبُوا:

٢٢- ذَلِكَ نَاسِبٌ:

٢٤- الْمَكَانُ الْفَرَاغُ:

- ۲۶- ذاك جبل:
 ۲۸- هذه خَصْرَة:
 ۳۰- اصول التّعازف:
 ۲۷- نحن نَدُوْز:
 ۲۹- هذه جَدُوْة:
 ۳۱- تلك شَرَرَة:

صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي التَّرْجَمَةِ.

- ۳۲- سَوْفَ أَسْتَلِمُهَا مِنْكَ بَعْدَ رُجُوعِي. بعد از بازگشتت از تو دریافت خواهم کرد.
 ۳۳- كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلْمَرِيضِ حُبُوباً مَهْدِنَةً لِمُعَالَجَةِ صُدَاعِهِ. پزشک برای بیمارانش قرص‌های آرام‌بخش برای درمان سردردشان تجویز کرد.
 ۳۴- يَتَعَقَّدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيراً عَلَيْنَا. برخی از دانشمندان معتقدند که رنگ چندان تأثیری بر ما ندارد.

إِنتخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ.

- ۳۵- طَلَبَ الْمُعَلِّمُ مِنْهُمْ الْحُضُورَ فِي الْحَفْلَةِ. (حیاط - مسابقه - جشن)
 ۳۶- هِيَ طَلَّتْ أَنَّ الْحَمَامَةَ تُشْجِعُهَا عَلَى الْخُرُوجِ. (گمان کرد - تشویق کرد - فهمید)
 ۳۷- يُدْرَسُ الْأُسْتَاذُ فِي الْجَامِعَةِ وَ يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَابُ. (فارغ‌التحصیل می‌شود - درس می‌خواند - تصمیم می‌گیرد)
 ۳۸- أَلْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا جِسْراً لِعُبُورِ السَّيَّارَاتِ. (ساختمانی - انباری - پلی)

ضَعِ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ.

- ۳۹- أَلْبَطَارِيَّةٌ مَحْزَنٌ فِي السَّيَّارَةِ. (البئر - النافذة - الكهرباء)
 ۴۰- أُمُّ صَدِيقِي فِي الْمُسْتَشْفَى. (راقدة - مُمَرِّضٌ - حفلة)
 ۴۱- هُوَ الشَّيْءُ الَّذِي يَصْعَدُ مِنَ النَّارِ. (الحطب - الذخان - الدّاز)
 ۴۲- ظَلَمْتُ صَدِيقَكَ فَهُوَ عَلَيْكَ. (عطشان - غضبان - خسران)

عَبِّرِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى.

- | | | | | |
|---------------|-----------|------------|-----------|------------|
| ۴۳- مَمَرٌ | مَجْدٌ | مَدْرَسَةٌ | مَطْعَمٌ | مُخْتَبَرٌ |
| ۴۴- عُصْفُورٌ | ذَنْبٌ | أَسَدٌ | كَلْبٌ | ذَنْبٌ |
| ۴۵- قَمَرٌ | شَمْسٌ | مَطَرٌ | نَجْمٌ | أَرْضٌ |
| ۴۶- حَافِلَةٌ | طَائِرَةٌ | سَفِينَةٌ | غَالِيَةٌ | سَيَّارَةٌ |

ضَعِ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».

- ۴۷- الطُّلَابُ قُدْرَةً عَرَضَ الْأَشْيَاءَ بِالْخُطُوطِ وَ الْأَلْوَانِ.
 ۴۸- الْجَامِعَةُ مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.
 ۴۹- أَلْبُكَاءُ شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الْجَامِعَاتِ.
 ۵۰- أَلْرُسْمُ جَرَيَانُ قَطْرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزْنِ أَوْ الْوَجَعِ.
 ۵۱- الْمُتَحَفُّ صِفَةُ حَسَنَةٍ لِلْحَلِيبِ وَ الْفَاكِهَةِ.
 ۵۲- الْأَدْلِيلُ مَرْكَزٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَابُ.
 ۵۳- التَّعْوِیْضُ
 ۵۴- أَلطَّازُجُ

ضَعِ الْمَتْرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

- غَيْمٌ - تَعِيشٌ - ثَمَرٌ - حَرَارَةٌ - حَقِيبَةٌ - تَمُوتُ - ضِيَاءٌ - فَاكِهَةٌ - سَحَابٌ - يَنْفَعُ - نَزَلَ - عَدُوٌّ - يَضُرُّ - ثَوْرٌ - مِحْفَظَةٌ - بُرُودَةٌ - صَعِدَ - صَدِيقٌ
- ۵۵- المترادفات:
 ۵۶- المتضادات:

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

في يومٍ من الأيام جاء سِتَّةُ صَيَّادِينَ وَحَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً ثُمَّ سَتَرُوهَا لِصَيْدِ الْخَيَواناتِ وَبِيعَها لِخَدِيقَةِ الْخَيَواناتِ. وَقَعَ ثَعْلَبٌ وَغَزَالَةٌ فِي الْحُفْرَةِ بَعَثَتْهُمَا فَطَلَبَا مُسَاعَدَةً؛ لَكِنَّ الْخَيَواناتِ هَرَبْنَ لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصْواتَ الصَّيَّادِينَ.

- ٥٧- مَنْ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ؟
- ٥٨- لِمَاذَا هَرَبَتِ الْخَيَواناتُ؟
- ٥٩- كَمْ صَيَّاداً جَاء؟
- ٦٠- ماذا سَتَرَ الصَّيَّادُونَ؟
- ٦١- عَيَّنْ فِي النَّصِّ أَسْماءَ تَكُونُ لِلْجَمْعِ؟

سؤال هـاي قاعده محور



اكتب نَوْعَ الْفِعْلِ وَصِيغَتَهُ. (الماضي، المضارع، الأمر و...)

- ٦٢- يُخْرِجُونَ:
- ٦٣- كَانُوا يَنْزِلُونَ:
- ٦٤- مَا أَوْجَدْتُمْ:
- ٦٥- لَا تَذْهَبِينَ:
- ٦٦- لَا تَسْتَرْجِعْ:
- ٦٧- سَيُزَوِّجُنِي:
- ٦٨- قُلْ:

عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي لَا يُنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْآخَرَى فِي النَّوعِ. (الماضي، المضارع، الأمر و...)

- | | | | |
|--|---------------------------------------|--|--|
| ☐ لا تُقَرِّبَانِ | ☐ لا أَشَاهِدُ | ☐ لا تَحْفِرَنَّ | ☐ لا يُغَيِّرُونَ |
| ☐ اَلْبَسُوا | ☐ اَلْعَبْ | ☐ ارْقُدْ | ☐ اِضْعُدِي |
| ☐ يَطْرُقَانِ | ☐ نَقَسَمُ | ☐ تَعَجَّبُوا | ☐ تَهَيَّئِينَ |
| ☐ لَا أَبْحَثُ | ☐ لَا نَعْلَمُ | ☐ لَا يَكْتُبَنَّ | ☐ مَا جَاءَ |

عَيِّنِ ضَمِيرًا مُنَاسِبًا لِلْفِعْلِ.

- | | | | |
|---------------------------------|------------------------------------|------------------------------------|---|
| ☐ هِيَ | ☐ أَنَا | ☐ أَنْتِ | ☐ ٧٣- أَشْجَعُ |
| ☐ هُمْ | ☐ هُنَّ | ☐ نَحْنُ | ☐ ٧٤- سَنَأْكُلُ |
| ☐ هِيَ | ☐ هُوَ | ☐ هُمْ | ☐ ٧٥- كَانَتْ تَذْهَبُ |
| ☐ هُنَّ | ☐ أَنْتُنَّ | ☐ أَنْتُمْ | ☐ ٧٦- مَا فَهَمْتُنَّ |
| ☐ هُمْ | ☐ هُما | ☐ هُنَّ | ☐ ٧٧- يَسْتَلِمَنَّ |
| ☐ نَحْنُ | ☐ هُنَّ | ☐ أَنْتُنَّ | ☐ ٧٨- لَا يَكْذِبَنَّ |
| ☐ أَنْتِ | ☐ أَنْتِ | ☐ أَنَا | ☐ ٧٩- ارْزُعِي |

صنع هذه الكلمات في مكانها المناسب، ثم تَرَجِّمُهَا.

إسمانٍ - آخِرِينَ - مُراجَعَة - بَنات - ضِيَاء - أَنْعَم - ظُلُمات - صالِحانٍ - فَرِيقَتَيْنِ - أَنْجَم - حَبَّة - إغِيرار

- ٨٠- مفرد مذكر:
- ٨١- مفرد مؤنث:
- ٨٢- مثني مذكر:
- ٨٣- مثني مؤنث:
- ٨٤- جمع مذكر سالم:
- ٨٥- جمع مؤنث سالم:
- ٨٦- جمع مكسر:

اكتب وزن الكلمات التالية وحروفها الأصلية.

- ٨٧- كاتب، مكتوبة، كتاب، مكاتب:
- ٨٨- حديث، أحاديث، محدثة، محدث:
- ٨٩- فتاح، فاتحة، مفتوح، افتتاح:

پاسخ سؤال‌های امتحانی

ترجمه آیات و احادیث زیر را کامل کن.

- ۱- سپاس از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را (در جهان) قرار داد.
 - ۲- او کسی است که همه‌ی آن‌چه در زمین است را برای شما آفرید.
 - ۳- پروردگارا، همانا من به خودم ستم کردم، پس مرا بیامرز.
 - ۴- زمانی که بندگانم از تو در مورد من بپرسند، پس به یقین من نزدیکم.
- توجه:** بعد از واژه‌هایی، مانند «إِذَا، إِنْ، مَنْ، مَا...» که کلمات شرطی هستند، فعل بهتر است مضارع ترجمه شود: إِذَا + فعل ماضی «سَأَلَ» ← زمانی که بپرسند.

۵- بر تو لازم است که یاد خدا کنی، چرا که آن (یاد خدا) روشنایی قلب است.

عبارت‌های زیر را بخوان، سپس ترجمه‌ی درست را تعیین کن.

- ۶- (ج) الشَّجَرَةُ: درخت / ذات: دارای / العُصُون: شاخه‌ها / النَّصْرَةُ: تر و تازه
- ۷- (الف) مَنْ: کیست / ذَا: این / جَهَّزَ: مجهز کرد
- ۸- (الف) أُحِبُّ: دوست دارم / جَدَّوْثُهَا: شراره‌ی آتش آن / مُسْتَعِزَّة: فروزان
- ۹- (ب) مَنْ: چه کسی / أُوجِدَ: ایجاد کرد / الْقَمَر: ماه را
- ۱۰- (ب) زَانَهُ: آن را آراست / أَنْجُم: ستارگانی / الدُّزْرُ الْمُتَنَشِّرَةُ: مرواریدهای پراکنده

فعل‌ها را در عبارت‌ها ترجمه کن و صیغه‌ی آن‌ها را بنویس.

- ۱۱- نَمَتْ: رشد کرد، سوم شخص مفرد (مفرد مؤنث غایب) / صَارَتْ: شد، گردید، سوم شخص مفرد (مفرد مؤنث غایب)
- ۱۲- أَنْظُرْ: بنگر، توجه کن، دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب) / أُوجِدَ: پدید آورد، سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب)
- ۱۳- أُحِبُّ: دوست دارم، اول شخص مفرد (متکلم وحده) / أَنْ أَسَافِرَ: مسافرت کنم، اول شخص مفرد (متکلم وحده)
- ۱۴- لَا تَجْعَلُنَا: ما را قرار نده، دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب)

عبارت‌ها را ترجمه کن، سپس نوع فعل را در آن‌ها مشخص کن. (ماضی، مضارع، امر و ...)

- ۱۵- دوستی بکار و دشمنی نکار. / إِرْزَعْ: فعل امر / لَا تَرْزَعْ: فعل نهی
- ۱۶- صبحانه نخورد و صورتش را نشست و از منزل خارج شد. / مَا أَكَلَ: فعل ماضی منفی / مَا عَسَلَ: فعل ماضی منفی / خَرَجَ: فعل ماضی
- ۱۷- به مسافرت خواهیم رفت و می‌خواهم که پول‌هایم را نزد تو به امانت بگذارم. / سَوْفَ أَسَافِرُ: فعل مستقبل / أُرِيدُ: فعل مضارع

این ترکیب‌ها را ترجمه کن.

- | | | | |
|---------------------------|-------------------------|--------------------|-------------------------|
| ۱۸- تو کامل هستی. | ۱۹- من منتظر ماندم. | ۲۰- که بنویسید. | ۲۱- کودک رشد کرد. |
| ۲۲- آن مناسب شد. | ۲۳- این‌جا فرودگاه است. | ۲۴- جای خالی | ۲۵- آن کلید است. |
| ۲۶- آن کوه است. | ۲۷- ما می‌چرخیم. | ۲۸- این سرسبز است. | ۲۹- این پاره‌ی آتش است. |
| ۳۰- اصول آشنایی با یکدیگر | ۳۱- آن پاره‌ی آتش است. | | |

خطاها را در ترجمه تصحیح کن.

- ۳۲- بعد از بازگشتم آن را از تو دریافت خواهم کرد.
- ۳۳- پزشک برای بیمار قرص‌های آرام‌بخشی برای درمان سردردش نوشت.
- ۳۴- برخی از دانشمندان اعتقاد دارند که رنگ‌ها تأثیری بر ما دارند.
- برای آن‌چه که زیر آن خط (آمده) است، ترجمه‌ی درست انتخاب کن.
- ۳۵- الْخَفْلَةُ: جشن / معلم از آن‌ها خواست که در جشن حاضر شوند.
- ۳۶- ظَنَنْتُ: گمان کرد / او گمان کرد که کبوتر او را به خارج‌شدن تشویق می‌کند.
- ۳۷- يَنْخَرُجُ: فارغ‌التحصیل می‌شود / استاد در دانشگاه تدریس می‌کند و دانشجویان از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند.
- ۳۸- جِسْرًا: پلی / مهندس‌ها پلی را برای عبور خودروها ساختند.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

در جای خالی کلمه‌ی مناسب قرار بده.

- ۳۹- الکَهْرَبَاءُ / باتری مخزن برق در خودرو است.
۴۱- الدُّخَانُ / دود چیزی است که از آتش بالا می‌رود.

کلمه‌ای که در معنی با کلمات دیگر تناسب ندارد را معین کن.

۴۳- گذرگاه / کوشا ✓ / مدرسه / رستوران / آزمایشگاه

۴۴- گنجشک / گرگ / شیر / سگ / گناه ✓

۴۵- ماه / خورشید / باران ✓ / ستاره / زمین

۴۶- اتوبوس / هواپیما / کشتی / گران ✓ / خودرو

عدد مناسب را در دایره‌ها قرار بده. (دو کلمه اضافی است.)

- ۴۷- الطُّلَابُ / شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الْجَامِعَاتِ. (دانشجویان، جوانانی هستند که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند).
۴۸- الجامِعَةُ / مَرْكَزٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي يَخْرُجُ مِنْهَا الطُّلَابُ. (دانشگاه، مرکزی است برای آموزش عالی که دانشجویان از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند).
۴۹- الْبُكَاءُ / جَزِيَانُ قَطْرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزْنِ أَوْ الْوَجَعِ. (گریه‌کردن، جاری‌شدن قطره‌های اشک از روی ناراحتی یا درد است).
۵۰- الرُّسْمُ / قُدْرَةُ عَرْضِ الْأَشْيَاءِ بِالْخَطِّ وَالْأَلْوَانِ. (نقاشی‌کردن، قدرت عرضه‌کردن چیزهایی به وسیله‌ی خط‌ها و رنگ‌ها است).
۵۱- الْمُتَحَفُّ / مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. (موزه، مکانی برای نگهداری آثار تاریخی است).
۵۲- الدَّلِيلُ: راهنما

۵۳- التَّعْوِيزُ: جبران کردن

۵۴- الطَّائِفُ / صِفَةُ حَسَنَةٍ لِلْخَلِيبِ وَالْفَاكِهَةِ. (تازه‌ویژگی خوبی برای شیر و میوه است).

مترادف‌ها و متضادها را در جای مناسبشان قرار بده.

- ۵۵- المترادفات: غَيْمٌ = سَحَابٌ / ثَمَرٌ = فَاكِهَةٌ / حَقِيبَةٌ = مِحْفَظَةٌ / ضِيَاءٌ = نور
۵۶- المتضادات: نَعِيشٌ = تَمَوُّثٌ / حَرَارَةٌ = بُرُودَةٌ / يَنْفَعُ = يَضُرُّ / نَزَلَ = صَعِدَ / عَدُوٌّ = صَدِيقٌ

متن زیر را بخوان، سپس به سؤالات پاسخ بده.

- ۵۷- چه کسی درخواست کمک کرد؟ الثَّعْلَبُ وَالْغَزَالَةُ طَلَبَا مُسَاعَدَةً.
۵۸- چرا حیوانات فرار کردند؟ لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصْوَاتَ الصَّيَّادِينَ.
۵۹- چند شکارچی آمدند؟ جَاءَ سِتَّةُ صَيَّادِينَ.
۶۰- شکارچی‌ها چه چیزی را پوشاندند؟ سَتَرُ الصَّيَّادُونَ حَفْرَةً عميقةً.
۶۱- اسم‌هایی که در متن (به صورت) جمع می‌باشد، مشخص کن. اسم‌هایی که به صورت جمع آمدند: الْأَيَّامُ (جمع مکسر) / صَيَّادِينَ (جمع مذكر سالم) / الْحَيَوَانَاتُ (جمع مؤنث سالم) / هُنَّ (ضمیر جمع مؤنث غایب) / أَصْوَاتُ (جمع مکسر «صوت») / الصَّيَّادِينَ (جمع مذكر سالم)
نوع فعل و صیغه‌ی آن را بنویس. (ماضی، مضارع، امر و ...)

- ۶۲- يُخْرِجُونَ: فعل مضارع، سوم شخص جمع (جمع مذكر غایب)
۶۳- كَانُوا يَنْزِلُونَ: فعل ماضی استمراری، سوم شخص جمع (جمع مذكر غایب)
۶۴- مَا أَوْجَدْتُمْ: فعل ماضی منفی، دوم شخص جمع (جمع مذكر مخاطب)
۶۵- لَا تَذْهَبِينَ: فعل مضارع منفی، دوم شخص مفرد (مفرد مؤنث مخاطب)
۶۶- لَا تَسْتَرْجِعْ: فعل نهی، دوم شخص مفرد (مفرد مذكر مخاطب)
۶۷- سَيُزْرَعْنَ: فعل مستقبل، سوم شخص جمع (جمع مؤنث غایب)
۶۸- قَلَّ: فعل ماضی، سوم شخص مفرد (مفرد مذكر غایب)

فعلی که از نظر نوع با افعال دیگر تناسب ندارد را تعیین کن. (ماضی، مضارع، امر و ...)

- ۶۹- فعل «لَا تَحْفِرْنَ» در این‌جا فعل نهی و بقیه‌ی فعل‌ها فعل نفی هستند.
۷۰- فعل «أَلْعَبَ» فعل مضارع و بقیه‌ی فعل‌ها فعل امر هستند.
۷۱- فعل «تَعَجَّبُوا» فعل ماضی و بقیه‌ی فعل‌ها فعل مضارع هستند.
۷۲- فعل «ما جاء» فعل ماضی منفی و بقیه‌ی فعل‌ها فعل مضارع منفی هستند.

ضمیر مناسب را برای فعل معین کن.

۷۶- أَتْنُنْ مَا فَهْمْتُنْ

۷۵- هِيَ كَانَتْ تَذْهَبُ

۷۴- نَحْنُ سَنَأْكُلُ

۷۳- أَنَا أَشْجَعُ

۷۹- أَنْتِ إِرْزَعِي

۷۸- هُنَّ لَا يَكْذِبْنَ

۷۷- هُنَّ يَسْتَلِمْنَ

کلمات را در مکان مناسب قرار بده، سپس آن‌ها را ترجمه کن.

۸۰- مفرد مذکر: ضیاء (روشنایی)، اغبرار (تیره‌رنگی)

۸۱- مفرد مؤنث: مُرَاجَعَة (دوره)، حَبَة (دانه)

۸۲- مثنی مذکر: إسمان (دو اسم، اسم‌ها)، صالِحان (دو شایسته، شایستگان)

۸۳- مثنی مؤنث: فَرِیقَتَین (دو تیم، تیم‌ها)

۸۴- جمع مذکر سالم: آخِرین (پایان‌ها، آیندگان)

۸۵- جمع مؤنث سالم: بَنَات (دختران)، ظُلُمَات (تاریکی‌ها)

۸۶- جمع مکسر: أَنْعَم (نعمت‌ها)، أَنْجَم (ستارگان)

وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.

۸۷- کَاتِب (فَاعِل)، مَكْتُوبَة (مَفْعُولَة)، كِتَاب (فِعَال)، مَكَاتِب (مَفَاعِل) ← ک ت ب

۸۸- حَدِیْث (فَعِیل)، أَحَادِیْث (أَفَاعِیل)، مُحَدَّثَة (مُفَعَّلَة)، مُحَدَّث (مُفَعَّل) ← ح د ت ب

۸۹- فَتَاح (فَعَال)، فَاتِحَة (فَاعِلَة)، مَفْتُوح (مَفْعُول)، إِفْتِتاح (إِفْتِعَال) ← ف ت ح

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

۱- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

«فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الشَّمْرَةَ»

(۱) پس جست‌وجو کن و بگو این چه کسی است که از آن، میوه بیرون می‌آورد.

(۲) پس بحث کن و به خود بگو چه کسی است که از آن، میوه بیرون می‌آورد.

(۳) پس جست‌وجو کن و بگو میوه‌های درختان را چه کسی رنگین کرده است.

(۴) بر این اساس بحث کن و بنگر که چگونه میوه از درختان بیرون آمده است.

۲- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»

(۱) به کارهای نیکویتان توجه کنید و بدانید که من نسبت به کارهایتان آگاه هستم.

(۲) و کار نیکو را انجام دهید، چرا که آگاهی من نسبت به آن‌ها زیاد است.

(۳) و کار نیکو را انجام دهید، زیرا من به آن چه که انجام می‌دهید دانا هستم.

(۴) و کار نیکوی خود را می‌بینند، ولی از این غافل‌اند که من نسبت به آن‌ها دانا هستم.

۳- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

(۱) إِرْزَعْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ: به کسی که در زمین است مهربانی کن تا کسی که در آسمان است به تو مهربانی کند.

(۲) «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»: و برای من یاد نیکو در میان مردم قرار بده.

(۳) مَنْ زَرَعَ الْعُدُوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ: هر کسی دشمنی بکارد کینه و حسد درو می‌کند.

(۴) أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالْ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالْ: به گفته‌ها بنگر و به افراد توجه نکن.

۴- عَيْنَ الْخَطَأِ لِلتَّرْجُمَةِ:

(۱) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلَ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند شایستگان هلاک می‌شوند.

(۲) أَنْظِرْنِي إِلَى صَدَقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ: به راستگویی و امانت‌داری بنگرید.

(۳) إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا: برای دنیایت چنان کار کن گویی همیشه زندگی می‌کنی.

(۴) إِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا: برای آخرت همیشه به گونه‌ای کار کن که فردا خواهی مرد.

۵- عَيْنَ الْخَطَأِ:

(۱) يُعَيِّنُ: مشخص می‌کند (۲) إِبْغَارُ الْأَرْضِ: وسعت زمین (۳) شَجَرَة خَضِرَة: درختی سرسبز (۴) نِعَمٌ مِنْهُمْ رَة: نعمت‌هایی ریزان

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

۶- عین الخطأ:

- (۱) راسب / ناجح (۲) ممنوع / مسموح (۳) رَقَدَ / جاء (۴) نور / ضياء

۷- عین الجملة التي فيها فعل الأمر:

- (۱) الصَّالِحُونَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.
(۲) رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي
(۳) أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لِمَ تُحَاوِلُ؟
(۴) التَّلَامِيذُ اجْتَمَعُوا فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ.

۸- عین الخطأ:

- (۱) هُمْ كَانُوا يَرْجِعُونَ. (۲) أَنْتِ سَتَقْبَلِينَ. (۳) نَحْنُ لَا نَنْتَظِرُ. (۴) هُنَّ تَشْتَغِلْنَ.

۹- عین الصحيح في الترتيب:

- (۱) الأول، الثاني، الثالث، الرابع
(۲) أربعة، خمسة، تسعة، ستة
(۳) الربيع، الشتاء، الصيف، الخريف
(۴) السبت، الأحد، الأربعاء، الثلاثاء

۱۰- عین العبارة التي ليس فيها اسم الإشارة:

- (۱) ذاك هو الله الذي أنعمه منعمه.
(۲) من ذا الذي جهَّز بقوة مُفْتَكِرَة.
(۳) ذو حكمة بالغة و قدرة مقتدرة.
(۴) هذه المحافظة خوزستان.

پاسخ سؤال های چهارگزینه ای

- ۱- گزینه ی «۱»
۲- گزینه ی «۳»
۳- گزینه ی «۱»
۴- گزینه ی «۴»
۵- گزینه ی «۲»
۶- گزینه ی «۳»
۷- گزینه ی «۲»
۸- گزینه ی «۴»
۹- گزینه ی «۱»
۱۰- گزینه ی «۳»
- بُحِثْ: جست و جو کن / قُلْ: بگو / مَنْ: چه کسی / ذَا: این / يُخْرِجْ: بیرون می آورد / الثَّمَرَة: میوه
صَالِحاً (عملاً صالحاً بوده است): کار نیکو / إِنِّي: زیرا من / مَا تَعْمَلُونَ: آن چه که انجام می دهید / عَلِيمٌ: دانا، آگاه
ترجمه ی درست گزینه های دیگر:
گزینه ی (۲): و برای من یاد نیکو در میان دیگران قرار بده.
گزینه ی (۳): هر کس دشمنی بکارد زبان و خسارت درو می کند.
گزینه ی (۴): به آن چه که گفت بنگر و به آن که گفت ننگر.
ترجمه ی درست: برای آخرت چنان کار کن گویی که فردا می میری.
إِغْبِرَا الْأَرْضَ: تیره رنگی (غبارگرفتگی) زمین
رَقَدَ / نَامَ = بستری شد، خوابید
بررسی گزینه ها،
گزینه ی (۱): «يَأْمُرُونَ» و «يَنْهَوْنَ» فعل مضارع
گزینه ی (۳): «لَا تَقْدِرُ» فعل مضارع منفی و «تُحَاوِلُ» فعل مضارع
توجه: فعل «اجتمعوا» که حرکت گذاری نشده است هم می تواند ماضی باشد و هم امر، ولی به دلیل این که پیش از آن «التَّلَامِيذُ» آمده است، باید فعل را ماضی در نظر بگیریم (اجتمعوا) و نمی تواند امر باشد.
گزینه ی (۲): «ظَلَمْتُ» فعل ماضی و «إِغْفِرْ» فعل امر
گزینه ی (۴): «اجتمعوا» فعل ماضی
توجه: فعل «اجتمعوا» که حرکت گذاری نشده است هم می تواند ماضی باشد و هم امر، ولی به دلیل این که پیش از آن «التَّلَامِيذُ» آمده است، باید فعل را ماضی در نظر بگیریم (اجتمعوا) و نمی تواند امر باشد.
گزینه ی (۲): أربعة، خمسة، تسعة، ستة
گزینه ی (۳): الربيع، الصيف، الخريف، الشتاء
گزینه ی (۴): السبت، الأحد، الإثنين، الثلاثاء
بررسی گزینه ها،
گزینه ی (۱): ذاك (اسم اشاره: آن)
گزینه ی (۲): ذا (اسم اشاره ی نزدیک: این)
گزینه ی (۳): ذو (به معنای دارای، صاحب ...) اسم اشاره نیست.
گزینه ی (۴): هذه (اسم اشاره ی نزدیک: این)